

هزار جلد کتاب به زبان عربی، با نزدیک به یکصد عنوان و ارزش ریالی بیش از یکصد و پنجاه میلیون ریال را فراهم آورد.

نگارنده و دیگر همکار ایشان در بنیاد، آقای سید عبدالحسین بهبهانی، آماده عزیمت به طور دلدادگی، عرفان، عدالت، شهادت و مظلومیت بودند. کتابها ارسال شده بود و با اعلام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان هماهنگ‌کننده ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه کتاب عراق، عازم تهران و از آنجا، مرز خسروی در قصر شیرین شدیم.

برخی مشکلات، به ویژه در گذر قانونی از مرز و ایجاد هماهنگی با جبهه میهنی کردستان عراق که پرچم خود را در کنار پرچم عراق در پاسگاه کم رونق مرزی شان به اهتزاز درآورده بودند، طبیعی بود.

حسب اطلاعات به دست آمده، قرار بود نمایشگاه کتاب در شهرهای بغداد، کربلا، نجف، سامرا و بصره، در طول یک ماه برگزار شود. نخستین مقصد، بغداد بود. مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق نیز کار هماهنگی با شورای انتقالی حکومت و تجهیز غرفه‌ها را بر عهده گرفته بود.

نهایتاً در ساعت ۲۱:۳۰ پنج‌شنبه ۱۳۸۲/۷/۳ پس از بازرسیهای مفصل با دو

## حضور در نخستین

### کتاب بغداد

---

امیر سلمانی رحیمی

---

بنیاد پژوهشهای اسلامی

---

در تیر ماه سال ۱۳۸۲ و پس از دریافت نامه‌ای از معاونت تبلیغات و انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی بر آن شد حضوری فعال در نخستین نمایشگاه بین المللی کتاب عراق داشته باشد.

رایزنیها و هماهنگیهای به عمل آمده، مقدمات گردآوری و بسته‌بندی بیش از پانزده

دستگاه مینی بوس عراقی از مرز نظامی پرویزخان عازم شهر کلار در کردستان عراق شدیم. فرصت حضور در حرم با صفای امیرمؤمنان علیه السلام در شب مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از دست رفته بود، اما خود را در راه می دیدیم!

عصر روز جمعه ۱۳۸۲/۷/۴ پس از گذران چهار ساعت در مینی بوس از کلار تا بغداد و برخورد با بازرسیهای متعدد عراقی - امریکایی وارد بغداد شدیم. فندق الحجاز در محله کراده و تقریباً نزدیک به دانشگاه بغداد - محل برگزاری نمایشگاه - برای اقامت در نظر گرفته شده بود. تا زمان شروع به کار نمایشگاه که تبلیغات سطح شهر به خوبی از عهده آن برآمده بود، تنها یک و نیم روز فاصله داشتیم. بنابراین بی درنگ و پس از گذاشتن بار سفر، به دانشگاه بغداد، ساختمان کتابخانه مرکزی رفتیم. کوهی از کارتهای کتاب بود و دیگر هیچ.

باید آستینها را بالا می زدیم، میز و پارچه و وسایل تزئین غرفه و مهم تر از همه کتابهای خود را در فضایی اختصاص یافته به بنیاد، با مساحتی حدود ۱۲ متر مربع، جمع می کردیم. غرفه ما، دقیقاً کنار در ورودی، «قاعة الخلیل بن احمد الفراهیدی» در طبقه دوم ساختمان - جایی

مناسب و پر مراجع - بود.

افتتاح رسمی نمایشگاه با حجة الاسلام عبدالعزیز حکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حضور جمع بسیاری از چهره های فرهنگی و سیاسی عراق از جمله وزیر فرهنگ شورای انتقالی و در محل «قاعة الخلیل بن احمد الفراهیدی» بود.

اکنون دیگر غرفه ای آراسته، البته در حد امکانات داشتیم. تعداد معتابهای از برگه های تبلیغی در معرفی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی را برداشته، در میان حاضران در مراسم افتتاح توزیع کردم. برای بسیاری جالب بود که می دیدند بنیادی پژوهشی در ایران حدود یکصد عنوان کتاب به زبان عربی دارد. سفینه البحار، الشیعة فی ایران، کتابهای تفسیر، حدیث و اخلاق، خواستاران بیشتری داشت؛ چنان که سراغ آثاری از امام خمینی علیه السلام، استاد مطهری و دیگر شخصیت های علمی ایران را نیز می گرفتند. با وجود برخی هزینه ها، کتابها با قیمت پشت جلد و پس از برابری با دینار عراقی و دلار عرضه می شد، اما وضع نامناسب اقتصادی، به ویژه علاقه مندان به کتاب، موجب گلايه بود. معلمی می گفت حقوق ما تا پیش از اشغال، ماهانه یک دلار (سه هزار دینار) بوده، استادان دانشگاه نیز

وضع چندان بهتری نداشتند. اما با این همه شوق به خواندن و دانستن، به ویژه از مجرای جمهوری اسلامی در ایشان ستودنی بود.

در آنجا مثلی شنیدم که حکایت از ریشه دار بودن فرهنگ کتابخوانی در مردم عراق داشت: «مصر تکتب، لبنان تطبع و العراق یقرأ»؛ (مصر می‌نویسد، لبنان چاپ می‌کند و عراق می‌خواند!)

کاروان فرهنگی ایران، متشکل از شانزده ناشر بود که بیشتر آنها در قم فعالیت داشتند و حجم کتابهای انتقال یافته به سیصد هزار جلد می‌رسید. فعالیت یک هفته‌ای نمایشگاه در بغداد، با وجود تنگناهای مالی بازدید کنندگان فراوان، حجم کتابها را به یک سوم رسانده بود. برخی عناوین از جمله سفینه البحار چاپ بنیاد، سراز بازار سیاه کتاب درآورد و برای همه ناشران این پیام را داشت که، برای تغذیه فکری، روحی و اخلاقی ما جوانان عراقی، بیشتر به فکر باشید؛ سخت نیازمند دانستن و درست دانستنیم.

فرصتهای پیش آمده، پس از تعطیلی غرفه در ساعت ۵ بعد از ظهر تا صبح فردا، بیشتر به زیارت مرافد و مضاجع شریف، نورانی و آکنده

از عشق و مظلومیت امامان علیهم‌السلام و دیگر چهره‌های تابناک تاریخ علم و جهاد در کاظمیه (کاظمین)، نجف اشرف، کربلای معلی و سامرا می‌گذشت.

قرار بعدی، نجف اشرف، در کنار مرقد شهید آیه‌الله محمد باقر حکیم بود که به دلیل مسائل پیش آمده با بیش از پانزده روز تأخیر برگزار شد. کتابی نمانده بود. برخی ناشران مجدداً از ایران کتاب دریافت کردند و برخی با برقراری ارتباط با کتابفروشان آن دیار، مانده آثار خود را در اختیار ایشان گذاشتند.

جهانیان، به ویژه مردم عراق در مجموع نمایشی از دو حضور را تجربه می‌کردند؛ حضور کامیونهای لبریز از کتاب با همراهی خیلی از ناشران و فرهیختگان که جز شور آگاهی دادن و آگاهی یافتن نداشتند و هجومی از آن سر دنیا با تانگهای پیشرفته، نفربرهای نظامی، دیوارهای بلند و موانع ایدایی - تأمینی و توده‌ای از سربازان و افسران با رنگها و زبانهای مختلف و غرق در سلاح و تجهیزات انفرادی رزم.

①